ببینید و بشنوید

شبکه یک	
۶	صبح بخیر ایران
۱۱/۱۰	آفتاب شرقی: این برنامه با هدف تبیین دین اسلام و تطبیق آن با زندگی اجتماعی هر روز به‌جز جمعه‌ها پخش می‌شود.
۱۷/۳۰	فرمول یك
۱۹/۴۰	پایش
۲۲/۱۰	سریال به رنگ خاك
۲۳/۱۰	مستند ضداستکباری
شبکه دو	
۱۵/۱۰	زنده‌باد زندگی
۱۴/۳۰	نمادو
۱۴/۴۵	یك فنجان سلامت
۱۹/۳۰	هزار راه نرفته
۲۱	مغناطیس
۲۱/۳۵	سریال حکایت‌های کمال
شبکه سه	
۷	سلام صبح بخیر
۱۱	طبیب
۱۵/۳۰	سریال خط آخر
۱۹/۱۵	بدون توقف
۲۰/۴۵	سریال گیله‌وا
۲۲/۳۰	متن حاشیه
شبکه چهار	
۶/۳۰	چهارسوی علم
۱۶	گزینه۴
۱۹	سخنرانی
۲۳	شب‌های هنر
شبکه پویا و نهال	
۸/۱۵	بزرگ و کوچك
۹	ماهی بادکنکی
۹/۳۰	ماجراهای بهادر
۱۱	خدا چه آفریده؟
۱۴/۰۵	گروه نجات رباتیك
۱۵/۴۵	مرکز امداد
۱۸/۳۰	داستان آنه‌شرلی
۲۱	شجاعان
شبکه نمایش	
۱۳	چشمه گنجشك
۱۵	هدف اسلحه
۱۷	آتش در برابر آتش
۱۹	آب۱
۲۱	نبرد پولادین
۲۳	شنود
شبکه‌های رادیویی	
۸	صبا: صبح صبا / مجله صبحگاهی شاد و طنز با بخش‌های متنوع
۹	جوان: کاوشگر / برنامه‌ای علمی که با انتخاب یك موضوع، نتایج پژوهش‌های کاوشگران جوان برنامه در آن عنوان می‌شود. این هفته: زبان حیوانات
۱۰/۲۰	ایران: نمودار / تحلیل مسائل روز اقتصاد کشور
۱۸/۳۰	ورزش: همیشه با ورزش / این برنامه با تکیه بر نظر کارشناسان زبده برنامه و نیز دیگر صاحبان رای (موافق و مخالف) با تخصص‌های مرتبط، به طور هفتگی، ضمن رصد اهم اخبار و مطالب، موضوع هفته را انتخاب کرده و به مشورت می‌گذارد.
۲۱	اقتصاد: ساعت صنعت / چقدر از ظرفیت تولید رنگ‌های صنعتی و حفاظتی در کشور بهره بردیم.
۲۱	قرآن: کارگاه ترجمه / تفسیر و ترجمه و لغت و شان نزول و روایت از جزء سی قرآن

محمدا ختیارزاده مجری «اورست»

تهیه‌کننده و مجری برنامه اورست از ویژگی‌های آن می‌گویند

جهان را از بام دنیا ببینید

زینب علیپور طهرانی
رسانه

از گونه‌های پرطرفدار برنامه‌سازی در تلویزیون می‌توان به برنامه‌های ترکیبی و گفت‌وگومحور اشاره کرد که برخی از این برنامه‌ها پرمخاطب‌تر از سریال‌های تلویزیونی هستند و مخاطبان بسیاری با این گونه از برنامه‌سازی ارتباط برقرار می‌کنند. از جمله برنامه‌های مناسبتی که سال‌ها روی آنتن شبکه‌ها هستند و همواره نگاه مخاطبان گسترده‌ای را به خود معطوف می‌کنند. حال اگر بین برنامه‌سازان و مخاطبان تعامل هم در برنامه ایجاد شود و مخاطبان بخش مهمی از برنامه و به نوعی خودشان هم در تولید برنامه سهیم باشند، می‌تواند در موفقیت آن برنامه موثر باشد.

از این رو شبکه سه برنامه‌ای به نام «اورست» را در دست تولید دارد که فصل نخست آن قرار است از جمعه همین هفته روی آنتن برود. برنامه‌ای که شامل بخش‌های نمایشی و گفت‌وگو با کارشناسان و بخش‌های مختلف و جذاب دیگر است که در آن به موضوعات مهم و روز جهان پرداخته می‌شود. جام جم گفت‌وگویی با تهیه‌کننده و یکی از مجریان این برنامه و گزارشی از تولید برنامه «اورست» تهیه کرده که در ادامه می‌خوانید:

ادامه در صفحه ۶

گفت‌وگو با امیرحسین هاشمی، بازیگر سریال گیله‌وا

احمد تغییرات زیادی خواهد کرد

فاطمه عودباشی
رسانه

امیرحسین هاشمی، بازیگری است که با فیلم‌های محمدحسین مهدویان به سینمای ایران معرفی شده و در «ایستاده در غبار»، «لاتاری» و «رد خون» نقش‌های مکمل بازی کرده است. حالا این هنرمند با بازی در سریال تلویزیونی گیله‌وا به نویسندگی و کارگردانی اردلان عاشوری این فرصت را پیدا کرد که نقش جوان اصلی را بازی کند.

اولین کار تصویری شما بازی در فیلم ایستاده در غبار بود. فکر می‌کردید روزی این فرصت را داشته باشید که به شکل تخصصی وارد عرصه بازیگری شوید؟

من دانشجوی سینما بودم، در دانشکده سینما و تئاتر درس خوانده‌ام و تئاتر کار می‌کردم. البته بیشتر دانشجویی. بله همان‌طور که گفتید اولین کار جدی تصویری‌ام ایستاده در غبار بود. قبل از آن، برای بازی در «آخرین روزهای زمستان» تست بازیگری دادم. آن روزها فارغ از دانشگاه، به کلاس بازیگری هم می‌رفتم. دوست داشتم تخصصی و علمی به بازیگری بپردازم. آن تست باب آشنایی من با آقای مهدویان بود، گرچه فرصت همکاری در «آخرین روزهای زمستان» پیدا نشد، اما مرا به ایستاده در غبار رساند.

با این‌که کارنامه پررنگی ندارید، اما برای بازی در سریال تلویزیونی گیله‌وا نقش جوان محوری قصه را به شما دادند؟

دوستان کارهای قبلی من با آقای مهدویان را دیده بودند و از من دعوت کردند برای بازی در نقش احمد. البته من کمی تفاوت سنی با این شخصیت داشتم. یك دوره‌ای، درگیری ذهنی من و کارگردان این بود که آیا من انتخاب مناسبی برای نقش هستم یا نه؟ کمی هم جست‌وجو کردند اما در نهایت نقش به من رسید. در صحبت‌هایی که داشتیم و گپ و گفت‌ها و تحلیل نقش، به تصویری از احمد رسیدیم که مطابق با نظر کارگردان و تصویر ذهنی من از او بود.

پس فکر می‌کنم به عنوان یك بازیگر تازه‌کار برایتان هیجان‌انگیز بود که نقش محوری یك سریال را بازی کنید؟

مهم‌ترین ویژگی که در نگاه اول من را سوق داد تا این نقش را بازی کنم، محوری بودن آن بود. برای من به عنوان بازیگر تازه‌کار، این نقش فرصتی برای دیده شدن بود. نکته دیگر این که احمد با نقش‌های قبلی من فرق داشت و این برایم جذاب بود.

اما احمد کارهای غیرمنطقی زیاد انجام می‌دهد، حتی گاهی بیننده او را دوست ندارد. نظر خودتان چیست؟

از نظر من احمد شخصیتی است که واکنش‌های متفاوتی در بیننده ایجاد می‌کند. ممکن است تماشاگر او را دوست نداشته باشد. بعضی کارهایش منطقی نیست و به مشکلات اضافه می‌کند. اما اگر او را بشناسیم، متوجه می‌شویم در مسیر قصه، احمد از شخصیتی که بوده، فاصله می‌گیرد و به جوان دیگری تبدیل می‌شود. فضایی که احمد در آن زندگی می‌کند متشنج و ناآرام است. نفوذ انگلیس، مبارزه با استعمار توسط میرزا کوچك‌خان و مسائلی از این دست در روزهای جوانی او رقم می‌خورد. در بلبشویی که به وجود آمده احمد از فضای ذهنی و دنیای شخصی‌اش فاصله می‌گیرد و درگیر مواردی می‌شود. حتی وقتی می‌بیند خیلی از اهالی روستا به جنگ رفته‌اند، آنجاست که دیگر احمد هم واکنش نشان می‌دهد.

تصویری از ده سال بعد خود دارید؟ قرار است کجای این حرفه بایستید؟

زمانی که ۱۶ ساله بودم و اولین قدم‌ها را برای بازیگری برداشتم، بدون اغراق به بهترین اتفاق‌ها فکر می‌کردم. دوست دارم در این راه به بهترین جایگاه‌ها برسم، هنوز همین‌طور فکر می‌کنم. چیزی عوض نشده، تنها تفاوت این است که من دیگر در مسیر رسیدن به آن رویای بزرگ هستم. این‌که چه زمانی به قله آرزوهایم برسم، علاوه بر لطف خدا به اتفاق‌هایی مربوط می‌شود که در طول مسیر رخ خواهد داد و بخشی از آن، در اختیار یك بازیگر نیست. من بلندپرواز هستم و رویایم را می‌سازم. تنها به ایران محدود نیستم و چشم‌اندازی جهانی دارم. تلاش می‌کنم به این تصویر ذهنی نزدیك شوم.

ستاره حسینی، بازیگر سریال گیله‌وا از مهربانو می‌گوید

داستان عاشقانه گیله‌وا را دوست دارم

سریال گیله‌وا قصه عشق و فراق در بطن داستانی تاریخی است. عشق‌هایی که به خاطر جنگ از دست می‌روند و از آنها تنها یادی برجای می‌ماند. مهربانو و حسین شخصیت‌های جوان و عاشق سریال گیله‌وا هستند که جنگ سرنوشت‌شان را دستخوش تغییر می‌کند. ستاره حسینی، بازیگر جوان کشورمان که کارش را از ۱۶ سالگی و با بازی در تئاتر آغاز کرده، ایفاگر نقش مهربانو در این سریال است.

شما از دانش‌آموخته‌های کلاس بازیگری فریدون جیرانی هستید. فکر می‌کردید روزی به شکل جدی وارد این عرصه شوید؟

در نوجوانی و از ۱۶سالگی دوره‌های تئاتر را گذراندم. از ۱۹ سالگی نیز متوجه شدم به حضور جلوی دوربین علاقه‌مند هستم به همین دلیل در کلاس‌های بازیگری آقای فریدون جیرانی شرکت کردم. آقای جیرانی من را برای بازی در سریال «تعبیر وارونه یك رویا» دعوت کردند و به این ترتیب وارد دنیای تصویر و تلویزیون شدم. من با حضور در کلاس‌های بازیگری و بدون داشتن پارتی وارد دنیای بازیگری شدم. اما امید داشتم و با انگیزه بودم که کارم را در این عرصه به شکل حرفه‌ای دنبال کنم.

البته من لیسانس مهندسی صنایع غذایی دارم و دوران دانشجویی‌ام همزمان شد با کارهای تلویزیونی و سینمایی من و به این علت تغییر رشته ندادم، اما در حال حاضر دانشجوی رشته کارگردانی هستم. حضور در کلاس‌های بازیگری و فضای آکادمیك دانشگاه‌ها، هر دو باهم تاثیر بیشتری خواهند داشت.

شما در سریال گیله‌وا ایفاگر نقش دختری روستایی به نام مهربانو هستید که دور از شما بود. نگران نبودید چنین نقشی را بازی کنید، با توجه به این‌که تجربه بازیگری‌تان کم است؟

مهربانو دختری ساده و روستایی است و با سایر نقش‌هایی که تا به‌حال بازی کرده‌ام تفاوت داشت. من تا آن زمان نقش دختری روستایی را که خیلی از خودم دور باشد، تجربه نکرده بودم و از این تجربه جدید استقبال کردم. گروه بازیگران و پشت صحنه این کار هم عالی بودند. ضمن این‌که قصه را هم دوست داشتم به همین دلیل بازی در این نقش را پذیرفتم.

در زمان ساخت این سریال من در سریال «گسل» بازی می‌کردم اما یك سری سکانس‌ها قرار بود در وزارتخانه فیلمبرداری شوند و من در آن بخش‌ها نقشی نداشتم و دو هفته بیکار بودم. آقای عاشوری بازی من را در فیلم «وارونگی» دیده و از بازی‌ام در آن فیلم خوش‌شان آمده بود. او همان زمان با من تماس گرفت برای بازی در گیله‌وا و دعوت به کار شدم. به او گفتم فقط دو هفته وقت دارم و باید مجددا سرکارم در سریال گسل برگردم و آقای عاشوری به من اطمینان خاطر داد که نقشم در همین مدت فیلمبرداری خواهد شد. البته نقش مهربانو در سریال گیله‌وا زیاد نیست اما در یاد مخاطب می‌ماند.

اغلب بازیگران، نقش‌های تاریخی را جزو سخت‌ترین کارهایشان می‌دانند. برای شما بازی در یك کار تاریخ معاصر چه تفاوت‌هایی با سایر نقش‌هایتان داشت؟

نقش‌های تاریخی فاصله زیادی با ما دارند چراکه زندگی‌شان در زمانی اتفاق افتاده که ما ندیده‌ایم و شاید حتی شناخت کمی از آن داشته باشم. بی‌شك بازی در نقش‌های تاریخی از این نظر برای هر بازیگری چالش برانگیز است. رفتارها و نوع زندگی دختران و زنان صد سال پیش که قصه سریال در آن زمان می‌گذرد کلی با حالا متفاوت بود و من برای این‌که بدانم آنها چه سبك زندگی‌ای داشتند کمی مطالعه کردم. در کل شناخت نقش‌های تاریخی برای بازی سخت‌تر از سایر نقش‌هاست و به تمرین و وسواس بیشتری هم نیاز دارد. ضمن این‌که مهربانو، دختری روستایی بود و من نه خودم تجربه زندگی در روستا را دارم و نه دوستی داشتم که در روستا زندگی کرده باشد تا بتوانم الگو بگیرم. بازی در نقش دختری روستایی سختی‌ها و لذت‌های خود را داشت.

صندلی داغ

یادداشت:
صفا آقاجانی
بازیگر

رادیو و تلویزیون همچنان مرجع هستند

سریال یا برنامه‌ای که خوب باشد حتی آنهایی که تلویزیون نمی‌بینند را به خود جلب می‌کند چون سنتی‌ترین روش اقبال به محصولات هنری در هر مدیومی که ارائه می‌شود تبلیغ دهان به دهان است یعنی آنهایی که به رسانه ملی اعتماد دارند سریال‌ها را می‌بینند و از تعریفی که آنها می‌کنند سایر مردم هم شروع می‌کنند به تماشا و به این ترتیب یك سریال فراگیر می‌شود.

بر این مبنا این‌که گروهی منفی‌باف مدام بر مخاطب نداشتن تلویزیون تاکید می‌کنند کاملا نادرست است. هم تلویزیون و هم رادیو همچنان رسانه‌های مرجع هستند و دیده‌ایم که در مناسبت‌هایی خاص مثل نوروز یا رمضان یا ربیع‌الاول همچنان همین دو رسانه هستند که سبد فراغت مخاطبان را پر می‌کنند.

این پتانسیل بالای مخاطبی که صداوسیما دارد نباید تولیدکنندگان را فریب دهد که درجا بزنند. به هر حال ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که مردمانش با یك گوشی تلفن به جهان وصل می‌شوند و در هر ثانیه اختراعی به‌وجود می‌آید که سرعت انتقال اطلاعات را بالاتر می‌برد.

بیننده‌ها با وجود این همه امکانات، از همه لحاظ آگاه و هوشیار هستند پس نباید سطح شعور بیننده‌ها را دست پایین گرفت و جهت تولید باید همه سنین را درنظر گرفت. ما که تولیدکننده غذای رسانه هستیم نباید دور از جامعه قرار داشته باشیم یعنی تا آنجایی که امکانش است باید به‌روز باشیم و از جامعه عقب‌تر نباشیم و هرگز مخاطب را دست‌کم نگیریم.

دست‌کم گرفتن مخاطب است که موجب می‌شود برای سریال‌های‌مان خط قرمزهای خودساخته براشیم و فانتزی پردازی در قصه‌ها که به هر حال مخاطبین به آن نیاز دارند، مخدوش شود. ایجاد تخیل و فانتزی سازی در سریال‌ها در کنار بهبود رنگ‌بندی بصری سریال‌ها با حفظ اخلاقیات و حرمت خانواده‌ها یکی از بهترین ابزارها برای جلب نظر مخاطب امروز است.

آن چیزی که برای همراهی با مخاطب لازم داریم، رنگ، نور و فضاسازی زیبا است و از همه مهمتر خود قصه که کشش و گره‌های لازم برای پیگیری را داشته باشد.

«مدرسه ایران» در شبکه چهار

«مدرسه ایران» برنامه جدید شبکه چهار در حوزه تعلیم و تربیت است که از ۱۴ آبان به تهیه‌کنندگی حمید اسکندری در ۲۶ قسمت ۵۵دقیقه‌ای ساعت ۲۱ روی آنتن می‌رود. به گزارش جام جم، تهیه‌کننده مدرسه ایران در خصوص بخش‌های این مجله ترکیبی گفت: مروری بر اخبار هفتگی تعلیم و تربیت، پخش مستند مرتبط با موضوع برنامه، «تاریخ و جغرافیا»، «معلم خاص» با معرفی معلمین ویژه کشور، از جمله بخش‌های این برنامه هستند.